

تاریخچه مطالعات ایرانی و مباحث متن پژوهی در پاکستان

متن سخنرانی دکتر عارف نوشاهی
در مرکز نشر میراث مکتوب
به تاریخ ۲۴/۴/۱۳۸۳ / ۱۴/۷/۲۰۰۴

عرایضم را در محدوده جغرافیایی امروزه پاکستان بیان خواهم کرد و محدوده زمانی نیز از سال استقلال پاکستان در ۱۹۴۷ به بعد است. هر چند در سال‌های ۱۹۴۷ تا ۱۹۷۱ پاکستان شرقی پاره تن پاکستان امروزی بود، در آن ۲۴ سال نیز انجمن آسیایی پاکستان در داکا که به تقلید از انجمن آسیایی بنگال کلکته تأسیس شده بود، متون تاریخی فارسی شبه قاره را احیاء می‌کرد. اما حالا آن بخش تاریخ را واگذار می‌کنیم به مطالعات ایرانی در بنگلادش و می‌پردازیم به پاکستان.

وقتی در سال ۱۹۴۷ پاکستان از هند بزرگ جدا شده و استقلال سیاسی به دست آورد. در پاکستان دو مرکز قدیم مطالعات فارسی داشتیم، یکی دانشکده دولتی (گورنمنت کالج) لاهور که در سال ۱۸۶۴ م / ۱۲۴۳ ش تأسیس شده بود و همزمان بخش فارسی آن فعال بود و دیگری دانشکده خاورشناسی (اورینتل کالج) دانشگاه پنجاب لاهور که در ۱۸۷۰ م / ۱۲۴۹ ش تأسیس گردیده بود و همزمان تدریس فارسی و تحقیقات در زمینه ادبیات فارسی و مطالعات ایرانی آغاز شده بود.

این دو مرکز آموزش و تحقیقاتی فارسی که تا استقلال پاکستان حدود هشتاد سال عمر خود را گذرانیده بودند، تا آن سالها در کارهای تحقیقی مستقیم و غیر مستقیم از همکاری دانشمندانی هم‌چون مولانا محمد حسین آزاد، دکتر شیخ محمد اقبال، حافظ محمود شیرانی، پروفیسور مولوی محمد شفیع برخوردار بودند که نام این بزرگوران برای همه آشناست.

حافظ محمود شیرانی قبل از استقلال پاکستان بازنشسته شده بود و پس از گذراندن یک زندگی پُر بار علمی در لاهور به موطن خود به تونکِ راجستان در هند بازگشته بود و همانجا در سال ۱۹۴۶ درگذشت. اما حضور او در لاهور، دانشکدهٔ خاورشناسی دانشگاه پنجاب و او را لازم و ملزوم ساخته است. او اندوختهٔ علمی زندگی خود را یعنی سه‌هزار نسخهٔ خطی فارسی را به کتابخانهٔ دانشگاه پنجاب سپرد. در تحقیقات و تتبعات، او مکتبی به وجود آورد که امروز در پاکستان به «مکتب شیرانی» معروف است. خصوصیت این مکتب اعتماد و اتکا به شواهد داخلی متن و سند است و این دید علمی در تمام کارهای تحقیقاتی او پیداست. بخشی از تحقیقات اردوی او متعلق به شاهنامه و فردوسی است که در کابل (عبدالحی حبیبی: چهار مقاله بر فردوسی، ۱۳۵۵) و تهران (شاهد چوهدری، در شناخت فردوسی، ۱۳۷۱) به فارسی ترجمه شده است. برای فارسی زبانان مسلم است که شیرانی در تحقیقات خود چه عقیده‌های سُست دربارهٔ فردوسی را ردّ و باطل کرده است و اینجا نیاز به بازگویی نیست. یادی از شیرانی بدان جهت کردم که پس از ترک شیرانی از لاهور، دانشکدهٔ خاورشناسی دانشگاه پنجاب، هنوز هم تحت تأثیر مکتب شیرانی است و شاگردان معنوی نامور او مثل مرحوم دکتر سید عبدالله و دکتر وحید قریشی راه او را ادامه داده‌اند.

استاد دیگری که در دانشکدهٔ خاورشناسی دانشگاه پنجاب خدمات شایسته در زمینهٔ مطالعات ایرانی و متن پژوهی انجام داد و برای همه شناخته شده است، پروفیسور مولوی محمد شفیع است که از قبل از استقلال پاکستان با دانشکدهٔ خاورشناسی همکاری داشت و تا سال درگذشت خود در ۱۹۶۳ از کارهای علمی خود دست

نکشید. رشته مطالعات او عربی و فارسی بود. تصحیح مطلع سعدین و مجمع بحرین عبدالرزاق سمرقندی، تذکره میخانه عبدالنبی قزوینی و مکاتبات رشید الدین فضل الله وزیر و مثنوی و امق و عذرای عنصری از میان کارهای شاخص فارسی اوست. در دوره مدیریت او مجله اورینتل کالج میگزین یکی از بهترین مجله‌های مطالعات ایرانی و ادبیات فارسی در شبه قاره به حساب می‌آمد که غریبها و شرقیها به آن استناد می‌کردند و در کار استوری «پرشین لتریچر» مرتب به مقالات و متون چاپ شده در این مجله ارجاعات می‌بینیم.

در نسل بعد از استقلال پاکستان در دانشکده خاورشناسی لاهور باید از دکتر محمد باقر مرحوم و دکتر سید محمد اکرم «اکرام» یاد کرد که در مطالعات ایرانی و متون فارسی کار کردند. دکتر محمد باقر تحصیل کرده انگلستان بود، اما فارسی امروزی ایران را خوب می‌دانست و از استادانی بود که در زمان خود بیشترین رفت و آمد به ایران و مراوده و مکاتبه با دانشمندان ایرانی داشت و کاملاً دلبسته مطالعات ایرانی و ادبیات فارسی بود. شاه سرمایه‌ای به نام IRAN FUND در اختیار بخش فارسی دانشگاه پنجاب گذارده بود که از آن سرمایه به اشراف دکتر محمد باقر متون فارسی چاپ می‌شد. چاپ فرهنگ مدار الافاضل و کلیات جویای تبریزی و دو جلد تذکره مخزن الغرایب نمونه مصرف به جای آن سرمایه، به کوشش دکتر محمد باقر بود. دکتر محمد باقر در کنار آن، مؤسسه‌ای به نام آکادمی ادبی پنجابی تشکیل داد که متون فارسی منطقه پنجاب را چاپ می‌کرد. این آکادمی چندین متن خوب و شایسته فارسی مثل کلیات آفرین لاهوری، دیوان واقف لاهوری، دیوان غنیمت کنجاهی و مثنوی نیرنگ عشق غنیمت کنجاهی و غیره را چاپ کرده است.

مرحوم دکتر سید عبدالله که استاد اردو در آن دانشکده بود، دلبسته ادبیات فارسی بود. تحقیقات خود را به زبان انگلیسی و اردو انجام داده است ذهن او انتقادی بود و مقالات عالمانه او درباره حافظ و برخی متون فارسی در مجموعه‌ای به نام زبان و ادب فارسی گردآمده و چاپ شده است و جا دارد که به زبان فارسی ترجمه شود. دکتر سید

عبدالله از نسخه شناسان پیش کسوت پاکستان است. او اولین فهرست پاکستان یعنی فهرست نسخه‌های خطی فارسی دانشگاه پنجاب را به زبان انگلیسی فراهم آورد. دکتر سید محمد اکرم شاه که مدتی ریاست بخش فارسی دانشکده خاورشناسی را به عهده داشتند و هم اکنون رئیس کرسی اقبال‌شناسی دانشگاه پنجاب هستند، علاوه بر این که شاعر خوش ذوق فارسی هستند، توجه به متون انتقادی فارسی دارند. از کارهای ایشان تصحیح داد سخن، تنبیه الغافلین و سراج منیر را یاد می‌کنم که هر سه از تألیفات سراج الدین علی خان آرزو منتقد بزرگ ادبی شبه قاره است و استاد بزرگوار دکتر شفیع کدکنی در کتابها و مقالات خود بخصوص در شاعری در هجوم منتقدان از کارهای دکتر اکرم شاه استفاده کرده‌اند. کار دیگر دکتر اکرم شاه که به مطالعات ایرانی پیوند دارد، پژوهش ایشان اقبال در راه مولوی است که مکرر چاپ شده است. ایشان در آن کتاب نشان داده‌اند که علامه محمد اقبال لاهوری از لحاظ فکری چه قدر از مولانا تأثیر گرفته است.

دانشگاه پنجاب، پس از استقلال پاکستان مرکز پژوهشی به نام «اداره تحقیقات پاکستان» (Pakistan Research Society) تأسیس کرد. تا مدتی دکتر عبدالشکور احسن زبان شناس و مؤلف کتاب گرایشهای تازه در زبان فارسی رئیس این اداره بوده‌اند. هر چند کار این مرکز پژوهش در تاریخ و فرهنگ پاکستان است ولی اولیا و رؤسای این مرکز با خبرند که تاریخ و فرهنگ پاکستان پشتوانه به زبان فارسی دارد. به همین دلیل این مرکز تا به حال چندین کتاب به فارسی یا درباره ادبیات فارسی یا ترجمه از فارسی را چاپ کرده است. که من اشاره‌وار از فهرست مخطوطات شیرانی تألیف دکتر محمد بشیر حسین در سه جلد، مکتوبات سعدالله خان (وزیر شاه جهان) و تاریخ ادبیات فارسی در پاکستان تألیف دکتر ظهور الدین احمد (جلد ۳ تا ۵) را نام می‌برم. کتابخانه مرکزی دانشگاه پنجاب هم اکنون بزرگترین کتابخانه پاکستان به حساب می‌آید و بخش زبانهای شرقی کتابخانه که شامل کتابها و نسخه‌های خطی عربی و فارسی می‌شود، کاملاً جداگانه اداره می‌شود. کتابخانه حدود سی هزار نسخه خطی

عربی و فارسی و سانسکرت دارد و منبع و مرجع مطالعات ادبیات فارسی و ایرانی در حال حاضر است.

در ابتدا از گورنمنت کالج لاهور نام برده بودم که قدمتش از دانشگاه پنجاب بیشتر است. استادان و محققان فارسی آنجا قبل از استقلال پاکستان، مولانا محمدحسین آزاد و قاضی فضل حق بودند. مولانا آزاد سفری به ایران هم کرده بود که به معنی تمام سفر مطالعاتی بود که وجب به وجب با قاطر ایران را گشته بود. حتی رفته به سراغ پسر یغمای جندقی در سمنان. او با علمای ایرانی ملاقات کرد. نسخه‌های خطی و کتابهای چاپی خرید و با خود بُرد. گزارش سفر او را به فارسی ترجمه کرده‌ام که به لطف استاد ایرج افشار در دو شماره مجله آینده چاپ شده است. مولانا آزاد کتابی به نام سخندان فارس در تذکره شعرای ایرانی دارد.

قاضی فضل حق هم دلبسته مخطوطات و تتبعات ایرانی بود. کتاب او سخنوران ایران به اردو قابل ذکر است.

هنگام استقلال پاکستان صوفی غلام مصطفی تبسم رئیس بخش فارسی گورنمنت کالج بود که برای ترویج مطالعات فارسی «انجمن فارسی» را تأسیس کرد و به دعوت انجمن فارسی بود که استاد سعید نفیسی و استاد بدیع الزمان فروزانفر و استاد علی اصغر حکمت بدانجا رفتند و سخنرانیها ایراد کردند و به ما دلگرمیها دادند. دکتر ظهورالدین احمد استاد بخش فارسی با تألیف دوره پنج جلدی تاریخ ادبیات فارسی در پاکستان، حق مطلب را ادا کرده است. هم‌اکنون این کالج «مجلس تحقیق و تألیف» به سرپرستی دکتر ظهیراحمد صدیقی دارد که تا به حال چندین کتاب فارسی و اردو در زمینه ادبیات فارسی را چاپ کرده است که اینجا فقط از سه تحقیق نام می‌برم: مطالعات ادبیات فارسی، تاریخ غزل فارسی و گنجینه معانی در مطالعات متون اخلاقی فارسی که هر سه کار دکتر ظهیر صدیقی است.

در لاهور علاوه بر دانشگاه پنجاب و دانشکده دولتی، چند مرکز پژوهشی و فرهنگی دیگر نیز وجود دارد که همه‌شان بعد از استقلال پاکستان برای انجام وظایفی تأسیس

شدند و هر چند آنها مستقیماً با زبان و ادبیات فارسی و مطالعات ایرانی سر و کار ندارند اما ناگزیر است که گوشه‌چشمی به مطالعات فارسی و ایرانی داشته باشند.

از جمله: «مجلس ترقی ادب» که تاریخ ادبیات فارسی در پاکستان تألیف دکتر ظهورالدین احمد (ج ۲) را چاپ کرد و چندین متن قدیم اردو - فارسی را احیاء کرد. در واقع اگر بخواهیم از اولین مراکز مستقل برای نشر متون در پاکستان یاد کنیم همین «مجلس ترقی ادب» است. این مجلس تذکره‌های شاعران اردو را که به زبان فارسی نوشته شده یا برخی ترجمه‌های کهن کلاسیک اردو از متون فارسی را چاپ کرده است. مجلس ترقی ادب به چاپ کتابهای انتقادی و تألیفی نیز توجه دارد. اولین شرح حال سعدی شیرازی به نام حیات سعدی که به قلم مولانا الطاف حسین حالی به زبان اردو نوشته شده، به همت مجلس چاپ شد. مولانا حالی مقدمه‌ای انتقادی بر سفرنامه ناصر خسرو نوشته بود که با متن فارسی آن از سوی همین مجلس چاپ شده است. از کارهای دیگر این مجلس که شاید در ایران کمتر شناخته شده است، چاپ دوره‌نُه جلدی مقالات اردوی حافظ محمود شیرانی است که دو جلد آن کاملاً مربوط به مطالعات ایرانی و ادبیات فارسی است. یعنی یک جلد مربوط به فردوسی و شاهنامه و جلد دیگر انتقادی بر شعر العجم شبلی نعمانی است. همه مستحضرند که علامه شبلی نعمانی تاریخ شعر فارسی را در پنج جلد به نام شعر العجم تألیف کرد که به فارسی هم ترجمه شده است. پروفیسور شیرانی با دید تحقیقی و طبع و سواستی که داشت سطر به سطر شعر العجم را مطابق معیار خود سنجید و یک جلد قطور انتقاد بر کتاب را فراهم آورد. صاحب‌نظران معتقدند که ارزش این نقد بیشتر از خود کتاب شعر العجم است. نمی‌دانم این انتقاد به فارسی ترجمه شده است یا نه؟ اگر ترجمه نشده، جای دارد که به فارسی ترجمه شود.

مجلس ترقی ادب متنی دیگر که بر ما دارد، انتشار دوره‌کامل پنج جلدی مقالات مولوی محمد شفیع است که هر یکی از آن مقالات به مطالعات ایرانی، ادبیات فارسی و متن پژوهی مربوط می‌شود. مولوی محمد شفیع به متن پژوهی علاقه داشت و متن‌های

کوچک یا بخشی از یک کتاب را تصحیح می‌کرد و به صورت مقاله چاپ می‌کرد. یک جلد کامل مقالات او مربوط به خوشنویسان و هنرمندان و آثار خوشنویسی و متون فارسی خوشنویسی است.

دولت پاکستان در لاهور «سازمان علوم اردو» تأسیس کرد. وظیفه این سازمان تهیه کتب علوم به زبان اردو است که نیاز دانشگاه‌هایی که علوم را به زبان اردو تدریس می‌کنند تأمین کند. اداره‌ای مشابه مرکز نشر دانشگاهی تهران است. این سازمان از میراث فارسی پاکستان و هند غافل نبوده و متن‌های بسیار مهم تاریخ و تذکره را به اردو ترجمه و چاپ کرد که من اینجا به ترجمه‌های طبقات اکبری، مآثر الامراء سیر العارفين و مقامات مظهري اشاره می‌کنم.

«اقبال اکادمی پاکستان» یکی از دیگر مؤسسات پژوهشی است که محور کار او تحقیقات در افکار و اندیشه‌های علامه محمد اقبال لاهوری است و چون بیشتر آثار علامه به فارسی است، خود بخود دائره کار آکادمی به فارسی و ایران هم برمی‌گردد. چنان که علاوه بر چاپ نفیس کلیات فارسی اقبال، کتابهایی مانند تذکره شعرای کشمیر، تذکره شعرای پنجاب، اقبال از دیدگاه ایرانیان و ترجمه فارسی کتاب زنده زود در شرح حال اقبال در سه جلد جزو کارهای فارسی آکادمی بوده است.

«موقوفه دیال سنگ کالج» در لاهور مرکز تحقیق را دائر کرده است که در آن موقوفه نسخه‌های خطی عربی و فارسی را گرد می‌آورد و تا به حال پنج جلد فهرست مشروح نسخه‌های خطی عربی و فارسی را منتشر کرده است.

سازمان خصوصی «پیکجز لمتتد» در لاهور از امکانات مادی بهتر برخوردار است. کار اصلیش تولیدات صنایع مقوایی است و چون مقوا ربطی به کاغذ و کاغذ جدا از کتاب نیست، اینها دست به ابتکاری زدند و برخی متون فارسی را با نفیس‌ترین کاغذ و بهترین کیفیت چاپ کردند که اینجا اشاره به کلیات غزلیات امیر خسرو به تصحیح اقبال صلاح الدین در چهار جلد می‌کنم که هم از لحاظ تصحیح انتقادی و هم از لحاظ کیفیت طبع، در خواننده سروری ایجاد می‌کند.

سخن لاهور دراز شد، و باید به مراکز دیگر کشور هم پردازم. اُستان‌سُند با آن قدمت تاریخی و وابستگی خود به فارسی و نزدیکی به ایران، باز یکی از مهمترین منطقه مطالعات ایرانی و متن پژوهی فارسی در پاکستان است. دانشگاه کراچی که پس از استقلال پاکستان شروع به کار کرد، مرحوم دکتر غلام سرور شاگرد دکتر هادی حسن در دانشگاه اسلامی علی‌گره اولین رئیس بخش فارسی دانشگاه کراچی شد. رساله دکتری او در تاریخ شاه اسماعیل صفوی بود. آن موقع چون دانشگاه هیچ کمکی به انتشار کتاب نمی‌کرد ناچار دکتر غلام سرور تحقیقات خود را از سوی مؤسسه خصوصی خود منتشر می‌کرد که تاریخ زبان فارسی یکی از کارهای آن دوره است. چون او تا مدتی برای فهرست نویسی نسخه‌های خطی فارسی در اوج مقیم بوده است - همان جایی که سدیدالدین محمد عوفی لُباب الالباب را در دربار ناصرالدین قباچه (۶۰۲ - ۶۲۵ هـ) تألیف کرده - دل بستگی به آثار عارفان بخارایی در اوج پیدا کرد. و دوره پسین عمر خود را صرف تحقیق در دو متن فارسی عرفای اوج کرد. یکی جواهر الاولیا از محمد باقر بخاری اوجی و دیگری خلاصه الالفاظ و جامع العلوم ملفوظات مخدوم جهانیان جهان گشت بخاری اوجی. نمونه‌ای از متن پژوهی که تقریباً اولین بار در پاکستان مطرح کرده دکتر غلام سرور بود، این است که او تحقیقات و تتبعات خود را درباره این دو متن جداگانه چاپ کرد. یعنی یک جلد را به عنوان مقدمه و جلد دوم را اختصاص به متن دارد.

یکی از دیگر استادان بخش فارسی دانشگاه کراچی، دکتر ساجدالله تفهیمی است که از کارهای عمده او تذکره شعرای اصفهانی شبه قاره (اسلام آباد، ۱۳۷۲) و کشف الالفاظ اقبال است. که در ۲۰۰۲ چاپ شده و در ایران شاید ناشناخته مانده است، الگوئی در تهیه کشف الالفاظ و ابیات است و باید در ایران مطرح شود.

دانشگاه کراچی از حدود سال ۱۹۷۰ انستیتو مطالعات آسیای میانه و غربی را دارد. بخشی از کارهای این مرکز مربوط به ماوراءالنهر و بخشی دیگر مربوط به ایران است و در حال حاضر یکی از مراکز خوب پژوهشی پاکستان است که کارها را آکادمیک

انجام می‌دهد و در محافل پژوهشی ایران شناخته شده است. دکتر ریاض الاسلام تاریخ دان پاکستان و عصر صفوی که اشراف بر این انستیتو دارند و از کارهای ایشان اسناد و مکاتبات دوره تیموریان هند و صفویان، از سوی بنیاد فرهنگ ایران چاپ شده است، به زبان فارسی عنایت ویژه‌ای دارند و علاوه بر کتابهای تحلیلی و انتقادی به زبان انگلیسی چندین متن فارسی را در انستیتو چاپ کرده‌اند. من از بحر الاسرار بلخی، خاطرات مُطربِ سمرقندی، تذکرة الشعرا جهانگیر پادشاه، مثمر خان آرزو و نُصرت نامه ترخان یاد می‌کنم. دکتر ریاض الاسلام دوست دیرینه استاد ایرج افشار هستند و دو کار استاد افشار را نیز در مؤسسه چاپ کرده‌اند. یکی جامع التواریخ حسنی و دیگری سعادت نامه با همکاری دفتر نشر میراث مکتوب.

وقتی صحبت از مطالعات فارسی و ایرانی در سند است، نام مرحوم پیر سیّد حسام الدین راشدی را باید با کلک زرین نوشت. از میان پاکستانیان اگر کسی را می‌توان به عنوان ایرانشناس و ایراندوست به عیار تمام نام بُرد، پیر صاحب است. دغدغه‌ها و دل مشغولی‌های او حفظ و احیا فارسی همراه با مطالعات و تحقیقات آبرومندانه در پاکستان بود. او سکو یا تریبون مناسبی برای ارائه مطالعات خود به دست آورد که انجمن ادبی سندی (سندی ادبی بورد) بود. کار این انجمن انتشار متون فارسی و سندی در زمینه تاریخ و ادب و فرهنگ سند بوده است و پیر راشدی ده‌ها و بیست‌ها نسخه خطی فارسی را که در گوشه گمنامی مانده بود، بیرون کشید و تصحیح کرد و از طرف انجمن چاپ کرد. کارهای پیر راشدی منتشر شده از انجمن ادبی سندی را می‌توان بهترین نمونه متن پژوهی در پاکستان قلمداد کرد. چون پیر راشدی دسترس به هر نوع منابع تاریخ سند را داشت، به کمک آنها نکته‌هایی را ارائه می‌داد که آدم از وسعت اطلاعات و نکته‌یابی‌های او حیرت می‌کند. کسانی که مکی نامه قانع تتوی یعنی شرح مزارات گورستان مکی در نزدیکی تتّه سند را دیده‌اند، می‌دانند که متن این کتاب سی‌چهل صفحه بیش نبوده و استاد راشدی با تحقیقات و تعلیقات خود رساله سی‌چهل صفحه‌ای را تبدیل به هزار صفحه کرده است. و هم چنین کار دیگر او تذکرة شعرای

کشمیر در چهار جلد که خودش از فروتنی علمی آن را تکمله تذکره شعرای کشمیر میرزا اصلح می‌گفت. حالا کار میرزا اصلح اصلاً یک نوع لفاظی و مداحی معمول تذکره‌نویسان است که نخست استاد راشدی آن را در یک جلد چاپ کرد و بعد چهار جلد دیگر را خودش بر آن افزود که امروز جامع‌ترین مأخذ ما درباره شعر و ادب فارسی در ایران صغیر یعنی کشمیر جنت نظیر است.

از کارهای تازه پیر راشدی که پس از وفات او چاپ شده است مجموعه مقالات اردوی او در زمینه ایران‌شناسی و ادبیات فارسی است (مقالات راشدی گردآورده دکتر غلام محمد لاکهو، چاپ کراچی، ۲۰۰۱).

در دو استان دیگر پاکستان یعنی سرحد و بلوچستان بیشتر توجه به فرهنگ و زبان بومی شده است. پشتو آکادمی در پشاور و آکادمی ادبی بلوچی در کوئته هر یکی به نوبه خود تحقیقاتی در زبان پشتو و بلوچی دارند که این نوع تحقیقات کارآمد زبان‌شناسان و محققانی است که به سراغ پیوندهای زبان فارسی با پشتو و بلوچی می‌روند. تا اینجا جسته و گریخته از فعالیت‌های مؤسسات دولتی پاکستان در زمینه مطالعات ایرانی صحبت کرده‌ام.

بخشی دیگر از مطالعات ایرانی و ادبیات فارسی و مباحث متن‌پژوهی در پاکستان برمی‌گردد به فعالیت‌های مؤسسات ایرانی در پاکستان که بسیار چشمگیر است. بلافاصله پس از استقلال پاکستان، دولت ایران، خانه فرهنگ ایران را در کراچی تأسیس کرد و به تدریج در شهرهای دیگر پاکستان مانند حیدرآباد، ملتان، کوئته، لاهور، راولپندی و پشاور نیز خانه‌های فرهنگ ایران باز شد. سفارت ایران در پاکستان، دفتر رایزن فرهنگی را مستقل دارد که استادانی همچون مرحوم محمدحسین مشایخ فریدنی و مرحوم دکتر محمدجعفر محجوب به سمت‌های سیفر و رایزن فرهنگی، زبان فارسی را در آن سامان تقویت دادند. خانه‌های فرهنگ ایران تا قبل از انقلاب نقش مراکز آموزش زبان فارسی را داشتند و من نیز یکی از آموختگان فارسی

خانه فرهنگ ایران در راولپندی هستیم. کتابخانه‌های مرتب و منظم خانه‌های فرهنگ به محققان در کارهای تحقیقی کمک می‌کرد. بعد از انقلاب اسلامی، خانه‌های فرهنگ ایران در پاکستان نقش و هدف اصلی خود را از دست دادند و آلوده به مسایلی شدند که موجب تعطیل و آتشنزی و کشتار مسئولین شد که واقعاً فصل تأسف انگیزی در روابط فرهنگی ایران و پاکستان است. پس از سالها، حالا دولت ایران هم به سیاست فرهنگی خود تجدید نظر کرده است و کم کم خانه‌های فرهنگ ایران در پاکستان دوباره به کارهای فرهنگی فعال می‌شوند.

نقطه عطف نقش مؤسسات ایرانی در پاکستان تأسیس «مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان» در اسلام‌آباد در سال ۱۹۷۰ بود که با توافق وزارت آموزش عالی پاکستان و وزارت فرهنگ و هنر ایران پا برجا شد. اهداف مرکز جمع‌آوری نسخه‌های خطی، تهیه فهرست نسخه‌های خطی پاکستان، نشر متون فارسی در زمینه تاریخ و ادبیات منطقه بوده است و بحمدالله تا کنون که ۳۴ سال از تأسیس مرکز می‌گذرد، مرکز همیشه به سوی اهداف خود جلو رفته است. امروز این مرکز با بیش از بیست و چهار هزار مجلد نسخه خطی و حدود چهل هزار کتاب چاپی یکی از بهترین جای برای پژوهش‌های ایرانی و ادبیات فارسی برای پاکستانیان است که البته غیر پاکستانیان نیز از آن بهره‌مند هستند.

کار عمده مرکز تحقیقات فارسی یا بگوئیم که توجه اصلی مرکز به تهیه فهرست نسخه خطی بوده است و مرکز اولین بار به پیشنهاد دکتر علی‌اکبر جعفری مدیر وقت تجربه تألیف فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان را کرده است که چهارده جلد آن از تألیف استاد احمد منزوی چاپ شده است. با فراهم آمدن دوره چهارده جلدی فهرست مشترک کلاً مسیر مطالعات ادبیات فارسی و ایران‌شناسی در پاکستان و حتی منطقه تغییر پیدا کرده است. تغییر به این معنی که در روزگاری محققان بخشی از عمر خود را در جستجوی منابع و نسخ خطی تلف می‌کردند و از بس که منابع پراکنده یا شناسایی نشده بود، کمبودهایی در مطالعات باقی می‌ماند. اما با فراهم آمدن دوره

چهارده جلدی فهرست مشترک پاکستان شناسایی منابع و دسترس به نسخ آسان تر شده است. به کمک فهرست مشترک بسیاری از فصلهای خالی و صفحات سپید تاریخ ادبیات فارسی در شبه قاره پُر شده است. به این معنی که فرض بفرمایید اگر تا قبل از فراهم شدن فهرست مشترک، ما از ده اثر سراج‌الدین علی‌خان آرزو خبر داشتیم، اکنون از پانزده اثر او اطلاع داریم. هر کسی قلم به دست برای تحقیق در ادبیات فارسی و مطالعات ایرانی در شبه قاره می‌شود، ناگزیر است اولین مراجعه خود را به این فهرست کند. خدا بر عمر و همت و سلامت مؤلف آن برافزاید.

مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان در نشر متون و کتاب کارهای متنوع کرده است و هیچ وقت پای‌بند و محدود به منطقه پاکستان امروزی نبوده است. گاهی لمحات‌القدس و تذکره بغر اخانی و دویته‌های تاجیکی را چاپ می‌کند که مربوط به ماوراءالنهر می‌شود، گاهی آثار شاه داعی شیرازی را منتشر می‌کند. گاهی گلزار آصفجاهی را افسست می‌کند که مربوط به جنوب هند می‌شود. اگر مرکز سیاست پژوهشها را متمرکزتر می‌کرد، بهتر از این می‌توانست کارها را ارائه دهد.

در پایان باید از نقش مجلات و نشریات پاکستانی را در گسترش و خدمت مطالعات ایرانی و ادبیات فارسی و متن پژوهی یاد کرد. در موقع استقلال پاکستان تنها نشریه شناخته شده در محافل تحقیقاتی و شرقشناسی اورینتل کالج میگزین (نشریه دانشکده خاورشناسی لاهور) بود که واقعاً بهترین خدمتی در رواج مطالعات و تدقیقات ایرانی و فارسی را می‌کرد. بعداً آن دانشکده مجله‌های دیگر نیز به اجرا درآورد که هر یکی به مطالعات ایرانی و ادبیات فارسی نیز می‌پردازد، مانند مجله تحقیق و مجله سفینه که این یکی به زبان فارسی منتشر می‌شود.

مجله صحیفه نشریه مجلس ترقی ادب لاهور، مجله اردو و قومی زبان نشریات انجمن ترقی اردو کراچی هرچند به زبان اردو منتشر می‌شوند اما همیشه صفحاتی اختصاص به زبان و ادبیات فارسی دارند. تحقیق نشریه گروه اردو دانشگاه سند یکی از

بهترین مجله در خدمت نسخه‌های خطی است.

مجله اقبالیات نشریه اقبال اکادمی پاکستان لاهور هر چند گاهی به زبان فارسی منتشر می‌شود.

رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران در اسلام‌آباد فصلنامه دانش را در ۱۳۶۳ آغاز به انتشار کرد که بعداً به مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان محول شد. این مجله گاهی دوزبانه (فارسی، اردو)، گاهی سه زبانه (فارسی، اردو، انگلیسی) منتشر می‌شد. ولی حالا منحصر به زبان فارسی شده و از بیست سال گذشته بدون وقفه منتشر می‌شود و یکی از مجلات جاافتاده پاکستان است.

هلال، سروش و پاکستان مصور سه مجله فارسی زبان پاکستان برای تبلیغات دولت بوده است ولی هیچ وقت از درج مقالات ادبی فارسی غفلت نمی‌ورزیدند. هلال و پاکستان مصور تعطیل شده‌اند و سروش هنوز چاپ می‌شود. مقالاتی که در این مجلات فارسی چاپ شده است و به مطالعات ایرانی و ادبیات فارسی مربوط می‌شود، در فهرست مقالات فارسی استاد ایرج افشار ضبط شده است. اما بخش عظیم تحقیقات ایرانی در مجلات اردوی پاکستان پراکنده است. دکتر اختر راهی یکی از استادان دانشگاه بین‌المللی اسلامی اسلام‌آباد در ۱۹۹۷ به مناسبت پنجاهمین سال استقلال پاکستان به پیشنهاد مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان فهرست مقالات اردو در زمینه ادبیات فارسی و ایرانشناسی چاپ شده در دوره پنجاه ساله پاکستان را آماده چاپ کرده است. ولی متأسفانه این فهرست تا کنون چاپ نشده است. اگر این فهرست چاپ شود تصویر روشن‌تری از مطالعات ایرانی در پاکستان جلوه خواهد داد.

عرایضم را به یک تأکید یا نقطه نظر خود خاتمه می‌دهم: اصطلاح «قلمرو زبان فارسی» که مرحوم دکتر محمود افشار به کار می‌برد، منطقه شبه قاره (شامل سه کشور مستقل امروزی بنگلادش، پاکستان، هندوستان) در آن قلمرو حایز اهمیت خاصی است. فارسی در شبه قاره هیچ وقت زبان گفتگو و محاوره روزمره نبوده است، اما با ضرس قاطع می‌توان گفت که در قلمرو فارسی، بیشترین آثار فارسی، در شبه قاره به

وجود آمده است، حتی بیشتر از کشورهای که خود فارسی زبان‌اند. بدون تردید گستره جغرافیایی شبه قاره در این کمیت بی تأثیر نبوده است، اما مسئله فقط طول و عرض زمین نیست، فرهنگ و ادبیات فارسی چنان از پشاور تا کلکته نفوذش عمیق بود که در شمال شبه قاره یک پنجابی زبان، ناچار بود پنجابی را به کمک فارسی یاد گیرد و در شرق شبه قاره در بنگال یک بنگالی، بنگالی، را نیز به کمک فارسی می‌آموخت. این نکته از نصاب نامه‌های منظوم به نیکی ثابت شده است. در سده ۱۱ هـ عبدالواسع هانسوی و میر محمدی اکبرآبادی در قلب هند فرهنگ‌های اُردو را با توضیحات به فارسی نوشته‌اند.

اگر روزی در یک مرکز پژوهشی، تحقیق همزمانی و هم موضوعی سه منطقه: شبه قاره، ماوراءالنهر و ایران انجام بگیرد، به این ترتیب که مثلاً قرن به قرن چه تذکره‌هایی در این سه منطقه تألیف شده است، مطمئنم که سهم شبه قاره بیشتر از منطقه خواهد بود. شبه قاره یک دنیای کشف نشده از لحاظ نفوذ فرهنگ ایرانی و ادبیات فارسی است. هنوز بدون اغراق هزاران نسخه خطی فارسی فهرست نشده در شبه قاره داریم که هر یکی سندی بر حاکمیت ادبیات فارسی در آن سامان است.

خواهش من از شما این است که به این میراث مشترک نیاکان خود توجه داشته باشید، هر چه فهرست بیشتر چاپ شود، سهم فرهنگ ایرانی در شبه قاره روشن‌تر خواهد شد. تأسیس یک مرکز فهرست نویسی و مسائل مخطوطات با حمایت دولت ایران در تهران، کفایت می‌کند که لااقل آثار نیاکان خود را شناسایی کنیم. از این که حوصله کردید و حرفهای پریشان بنده را با تحمل و صبوری گوش فرمودید، متشکرم.